

توانمندسازی اجتماعی، راه حلی برای حاشیه‌نشینی (شیخ‌آباد قم)

دکتر مهدی قرخلو^۱ و محمد میره^۲

چکیده

شهرنشینی نوعی شیوه زندگی است که به همراه خود پدیده‌های مختلفی را برای زندگی بشر ایجاد کرده‌است. به عبارت دیگر نتایج و پیامدهای شهرنشینی ابعاد مثبت و منفی مختلفی داشته‌است. یکی از مسائلی که با زندگی شهری پیوند عمیقی دارد، پدیده‌ای با عنوان حاشیه‌نشینی شهری است. از آنجا که مکان جغرافیایی بسیاری از محلات حاشیه‌نشین در شهرها با بروز معضلات شهری پیوند دارد بسیاری از مشکلات شهری را به این پدیده نسبت می‌دهند. با توجه به اینکه حاشیه‌نشینی شهری، یکی از بزرگترین معضلات شهری است، لذا تاکنون روش‌ها و دیدگاه‌های مختلفی به منظور حل مسایل و مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی ارائه شده‌است. این روش‌ها در دو گروه مهندسی کالبدی و مهندسی اجتماعی قابل تفکیک هستند. البته روش‌های دوم به ویژه راهبرد توانمندسازی، امروزه در ادبیات ساماندهی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در دنیا جایگاه بالایی دارد. لذا در این نوشته سعی شده است. ضمن معرفی راهبردها و دیدگاه‌های حل مسأله حاشیه‌نشینی، امکان‌سنجی به کارگیری راهبرد توانمندسازی که روشی اجتماعی است برای حل مسایل محله شیخ‌آباد قم - که نمونه بارز حاشیه‌نشینی شهری در ایران است - مورد بررسی قرار گیرد. جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز این پژوهش بر مبنای دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته که در مطالعات میدانی علاوه بر مصاحبه و مشاهده، تعداد ۱۵۰ پرسشنامه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده در سطح محله و توسط سرپرست خانوارها تکمیل شده‌است. نتایج پژوهش چنین می‌نماید که در درجه اول، مؤلین

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و عضو مرکز مطالعات شهری و روستایی پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

شهری باید واقعیت وجود سکونتگاه‌های حاشیه‌ای در شهر را به عنوان یک حاکمیت اجتماعی پذیرفته و برای حل و بهبود بخشی به این مسأله، از بکارگیری روش‌های اجتماعی و مشارکتی غفلت نورزند. با توجه به ظرفیت‌های بالای محله شیخ‌آباد در این زمینه، راهبرد توانمندسازی بهترین راه‌حل است.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی، ساماندهی، مهندسی اجتماعی، توانمندسازی

مقدمه

حاشیه‌نشینی شهری پدیده‌ای است که در ایران با عناوین مختلفی نظیر آلونک‌نشینی، کپرنشینی، زاغه‌نشینی، اسکان غیررسمی، سکونتگاه‌های نابهنجار و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. لیکن شناخته شده‌ترین عنوان برای این پدیده در ایران همان حاشیه‌نشینی شهری است. این پدیده که در حال حاضر در اکثر شهرهای جهان نمود دارد، بیشترین فضای فکری اندیشمندان برنامه‌ریزی شهری و توسعه را همواره به خود معطوف داشته است.

بطور کلی چهار ویژگی زیر را برای اجتماعات حاشیه‌نشین ذکر کرده‌اند:

۱- نا امنی حق تصرف ۲- شرایط ساختاری نابهنجار مسکن ۳- دسترسی ضعیف به آب آشامیدنی سالم و تغذیه ۴- تراکم بیش از حد (UN-habitat 2005).

در واقع محلات حاشیه‌نشین آخرین چاره‌ی بازماندگان است و در تلاش بی‌امان برای بدست آوردن مزایای شهری، این محلات از نظر مدرسه، شغل، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر، خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به طور دسته‌جمعی فراهم می‌شود نیز، بازنده هستند. محله زاغه‌نشین محله‌ای است که جمعیت آن نمی‌تواند در روند رقابت برای خدمات و کالاهای عمومی به نحو مؤثری شرکت جوید و بدین ترتیب کنترلی بر نحوه‌ی توزیع این خدمات و کالاها ندارد. (هاروی، ۱۳۷۶: ۷۲).

سابقه شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهری به تحولات اجتماعات شهری و روستایی جهان پس از انقلاب صنعتی و رخداد‌های بعد از آن نسبت داده می‌شود. در حقیقت پدیده حاشیه‌نشینی به مفهوم امروزی آن در کشورهای پیشرفته جهان بوجود آمده و با صدور برنامه‌های اقتصادی اینگونه کشورها تحت عنوان برنامه‌های رشد و توسعه در کشورهای جهان سوم گسترش یافت (زاهدانی، ۱۳۸۰: ۱).

پیدایش این مسأله اگرچه به شهرهای کشورهای صنعتی و غربی نسبت داده می‌شود، لیکن

سهم عمده جمعیت حاشیه نشین دنیا در حال حاضر در شهرهای کشورهای در حال توسعه وجود دارد، به گونه‌ای که حدود نیم تا ۳/۴ جمعیت شهرهای جهان سوم به صورت حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند (زنجان، ۱۳۷۱: ۵).

در کشورهای جهان سوم به دلیل تحولات اقتصادی در نظام تولید که در طی دهه‌های اخیر بروز پیدا کرده غالب مردم که قبلاً در روستاها اسکان داشته‌اند، دست به مهاجرت گسترده به شهرها زده‌اند و در محله‌های مهاجرپذیر که عموماً در حاشیه شهرها مانند قارچ رشد کرده سکنی می‌گیرند. در نواحی شهر تازه واردان بیشتر ممکن است نزدیک به قسمت‌های مرکزی شهر سکونت اختیار کنند. اما در کشورهای جهان سوم معمولاً عکس آن اتفاق می‌افتد و مهاجران در جایی که حاشیه‌گندایی نواحی شهری نامیده شده‌است ساکن می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۲۲).

مسأله حاشیه‌نشینی در کشور ایران نیز با شرایط خاص خود ظاهر شده و غالب شهرهای ایران با این پدیده درگیر هستند. تاریخ پیدایش حاشیه‌های شهری کشورمان را باید منطبق با دوران شکل‌گیری شهرنشینی شتابان و سریع دانست که به علت برون‌زا بودن آن، باعث پیدایش مسایل مختلفی نظیر حاشیه‌نشینی در چهره خود شده‌است، این دوره که موسوم به شهرنشینی مشکل‌زاست از دهه ۱۳۴۰ آغاز می‌گردد (نظریان، ۱۳۷۹: ۷۸).

حاشیه‌نشینی شهری دارای ابعاد و چهره‌های مختلفی است که شهرهای کشور را با مسایل جدیدی نظیر تضادهای فرهنگی و اجتماعی، افزایش ناامنی در شهر، ناهمگونی بافت کالبدی شهر، افزایش آلودگی‌های شهری و ... مواجه ساخته است که این مسایل، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را جهت نیل به آرمانشهر و شهرهای ایده‌آل، با معضل روبرو ساخته‌است. لذا یکی از وظایف مدیریت شهری و جامعه علمی کشور برخورد با این پدیده و تدوین راه حل منطقی برای حل مسأله است.

رویکردهای پایه در برخورد با حاشیه‌نشینی

همانگونه که ذکر شد حاشیه‌نشینی شهری با تمام شرایط و ابعاد خود، معضلات متعددی را برای شهرها و اجتماعات شهری به وجود آورده‌است. در ادبیات مرتبط با ساماندهی حاشیه‌نشینی، روش‌های مختلفی ارائه گردیده است که در دو گروه مهندسی کالبدی و ساختمان و مهندسی اجتماعی قابل تفکیک است. در واقع روش‌های اولیه به منظور مقابله با حاشیه‌نشینی، روش‌هایی

کالبد محور و فیزیکی بوده که در قالب برنامه‌های بهسازی فیزیکی انجام می‌شده و عمدتاً در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی رواج داشته‌است. ارتقای محیط فیزیکی، بهداشت محلات، ارائه خدمات پایه و به طور کلی بهسازی محیط کالبدی و فیزیکی از اهم برنامه‌های این روش بوده‌است.

گروه دوم از روش‌ها، روش‌های اجتماعی هستند که به دلیل ضعف روش‌های فیزیکی و عدم موفقیت آن‌ها در حل مسأله مورد توجه واقع شده‌اند. در این روش‌ها، راه‌حل در مهندسی اجتماعی دیده شده است و تأکید بر ارتقای ظرفیت‌های انسانی و تقویت اجتماعات محلی شهری، رفع محدودیت‌های قانونی، ظرفیت‌سازی و نهادسازی محلی، حکمرانی مطلوب شهری و... است (World Bank 2004).

دیدگاه‌های مختلف در ساماندهی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی

بر اساس روش‌های مختلف تاکنون با دیدگاه‌ها و راهبردهای متفاوتی به برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی شهری پرداخته شده‌است که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌گردد.

دیدگاه خنثی و منفعل

در این نگرش، مسئولان و مدیران شهری پدیده را نادیده می‌انگارند. «این رهیافت که با نگرشی لیبرالی و تشابه سازی تاریخی با مراحل توسعه‌ای جوامع توسعه یافته، حاشیه نشینی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند و از این رو خواهان رها سازی آن به ساز و کارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دست یافتن به توسعه، دیگر حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی وجود نداشته باشد. خطای این نگرش در تشابه‌سازی تاریخی برای کشورهای جنوب با توجه به استمرار و گسترش این پدیده مشهود است، ضمن آنکه بی توجهی به میلیون‌ها شهروند طی ده‌ها سال به امید حل خود به خودی مسایل، از نظر ارزش‌های انسانی مقبول نیست» (صرافی، ۱۳۸۲ : ۲۷۰).

دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز

این دیدگاه که به دیدگاه بولدوزر معروف می‌باشد و روشی کاملاً فیزیکی است، سعی در ریشه کن کردن اجتماعات حاشیه‌نشین دارد. «این رهیافت در واقع صورت مسأله را پاک کرده

و به جابجایی جغرافیایی مسایل باقی مانده توجه ندارد، هم چنین در رابطه با اهمیت حفظ امید برای ساکنان این اجتماعات این رهیافت یأس فراگیر را فشرده و در برابر تهدید جدی آن، انگیزه‌های مقابله و انفجار را تقویت می‌کند» (همان، ۲۷۰) این شیوه بیش از هر شیوهی دیگری در برخورد با پدیده‌ی حاشیه‌نشینی در سطح جهان به اجرا گذاشته شده است. «طبق اسناد موجود چنین سیاستی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج یافت برنامه‌های زاغه‌زدایی نه تنها در بهبود شرایط مسکن ناکام بوده، بلکه مشکل مسکن را هم وخیم‌تر کرده است، زیرا تعداد انگشت شماری مسکن در دسترس گروه‌های فقیر قرار گرفته است. بر پایه پژوهش‌های به عمل آمده پیامد این برنامه‌ها به طور معمول بدتر شدن شرایط در سایر بخش‌های مسکونی را باعث شده است زیرا خلغ ید شده‌ها به سراغ بخش‌های دیگر می‌روند یا زاغه‌شان را در جای دیگری می‌سازند (چیما، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

دیدگاه بنیادگرا

«رهیافت سوم با نگرشی رادیکال و نپذیرفتن قوانین بازی در پی چاره‌های اساسی یا تغییر در ساختارهای جامعه است. تصور بر این است تا نظام کلان اصلاح نشود، نظام‌های خرد قابل اصلاح نیستند و در واقع درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش‌های سیاسی تکیه می‌کند و از این رو باز هم مانند رهیافت اول، آن‌ها را به حال خود رها کرده تا زمانی که ساز و کارهای فقرزا و ناعادلانه‌ی جامعه نابود شوند» (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). از این رو بسیاری از منتقدین این دیدگاه معتقدند این نگرش دچار ضعف بنیادین در ارائه‌ی راه کارها و راه حل‌های لازم جهت ساماندهی و بهسازی زندگی و سکونت در سکونتگاه‌های خودروی موجود بوده و این که بطور اصولی آن‌ها تنها راه حل مسأله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و در نهایت در تغییر بنیادین جوامع، چشم می‌کنند و نسخه‌های مقطعی و موردی را فاقد کارآیی لازم معرفی می‌کنند دلایل کمتری را ارائه می‌دهند. این در حالی است که تجربه‌ی گذشت سال‌ها، نشان می‌دهد که چنین تغییراتی، بر فرض تحقق کامل، نیاز به سال‌های طولانی نیاز زمان دارد و طی این مدت نمی‌توان پاسخ‌گویی به مشکلات و مسایل این سکونتگاه‌ها را به آینده‌ای مبهم محول کرد (شیخی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

دیدگاه اصلاح طلب

رهیافت چهارم یا نگرش اصلاح طلب، هر چند که ضرورت برقراری عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای را (برای تأمین مسکن همگانی و کاهش مهاجرت‌های ناشی از فقر مناطق) باور دارد، اما برای کوتاه مدت و میان مدت به حل مشکل از طریق قبول واقعیت آن در پرداختن به توان‌های موجود در آن کوشش می‌کند و بیش از اصرار بر تغییری ناگهانی در سطح کلان، تحولی تدریجی در سطح خرد را چاره ساز می‌داند. بنابراین طبق این رویافت نباید پرداختن به راه‌حل‌های ساختاری، به قیمت غفلت از رنج و فقر موجود در این اجتماعات تمام شود. (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۱).

در چارچوب رویافت چهارم، راهبردهای متعددی ارائه شده است از جمله: برنامه خانه‌سازی اجتماعی در دهه ۱۹۶۰؛ طرح زمین و خدمات در دهه ۱۹۷۰؛ برنامه بهسازی زاغه‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ و راهبرد توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه‌ها رجوع شود به هادیزاده، ۱۳۸۲ و چیماء، ۱۳۷۹).

راهبرد توانمندسازی^۱

راهبرد توانمندسازی جدیدترین و مناسب‌ترین راه حل در ساماندهی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی است و به مصداق «ماهی‌گیری و حتی توربافی به جای دادن ماهی به تهیدستان می‌باشد» (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). به سبب اهمیت و مزیت‌های این راهبرد به توضیح بیشتر آن می‌پردازیم:

«راهبرد توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبودی در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود بخشند. بطور خلاصه در روش توانمندسازی، مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می‌گردد تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کند. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رویافت نوینی برای حل مسأله فقر شهری، است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی صرف را رهگشا نمی‌داند؛ بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمانهای غیر دولتی

و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است» (هادیزاده، ۱۳۸۲، ۳۷).

یکی از اقدامات به جا و شایسته‌ای که در کشورمان پس از هشدارهای متخصصین امر صورت گرفته است، تدوین و تصویب سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی می‌باشد که با رهیافتی اصلاح طلبانه و بر اساس راهبرد توانمندسازی تهیه شده است.

در ذیل برخی اقداماتی را که در چارچوب راهبرد توانمندسازی پیشنهاد و در این سند نیز آورده شده است ذکر می‌کنیم:

۱- شناسایی و به کارگیری روش‌های مشارکت ساکنان در خدمات‌رسانی زیربنایی، با مقاوم سازی و اصلاحات لازم فنی در این سکونتگاه‌ها.

۲- تشویق سازمان‌های غیردولتی برای حضور و مشارکت در امر ساماندهی و توانمندسازی اجتماعات.

۳- اقدام ملی در جهت ایجاد ستادهای ساماندهی اسکان غیر رسمی و تشکیلات مربوط به آن در مناطق و واگذاری اختیارات هماهنگی و هدایت دستگاه‌های دولتی و عمومی به این ستادها.

۴- برقراری ساز و کار لازم قانونی برای حل اختلافات حقوقی و پشتیبانی از حق مسکن و امنیت سکونت در سکونتگاه‌های غیر رسمی موجود.

۵- تقویت و ایفای نقش تضمین کننده و تنظیم کننده در جهت دسترسی همگان و در حد توان مالی اقشار کم درآمد شهری به نهادهای مسکن شهری.

۶- حمایت بخش دولتی - عمومی از خانه‌سازی خانوارهای متقاضی کم درآمد و تشویق بخش خصوصی محلی به عرضه کالا و خدمات مورد نیاز آنها و اولویت دادن به اجرای طرح‌های انبوه سازی در این زمینه.

۷- بازنگری کلیه قوانین و مقررات محدود کننده دسترسی اقشار کم درآمد به تسهیلات و اعتبارات رسمی.

۸- ایجاد صندوق‌های محلی برای خرده وام و پس انداز مسکن و اشتغال با مشارکت و سرمایه‌ی اولیه خود مردم، ضمن بهره‌گیری از منابع دولتی، عمومی و خصوصی.

۹- تخصیص بخشی از وام‌های یارانه‌ای بخش دولتی برای تأمین مالی اولیه‌ی صندوق‌های وام محلی مورد نظر در بند ۸ (هیئت وزیران، ۱۳۸۲).

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش به ویژه در رابطه با مسایل شهری نیازمند روشی منسجم و اصولی می‌باشد. بالاخص اینکه موضوع مورد پژوهش یکی از معضلات و مسایل مهم جامعه شهری در عصر حاضر یعنی حاشیه‌نشینی شهری و اسکان غیررسمی باشد.

در انجام این پژوهش بنا به ماهیت مسأله، روش مهندسی اجتماعی با راهبرد توانمندسازی برگزیده شده است. با توجه به اینکه در این روش مشارکت مردم و توانمندی‌های ایشان اهمیت والایی دارد، لذا سعی شده است که در برداشت اطلاعات از روش میدانی استفاده شود، تا میزان برخورد محققین با مردم بیشتر باشد. بر این اساس از پرسشنامه و از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده اطلاعات مرتبط با موضوع مورد بحث برداشت گردیده‌است. لازم به ذکر است تعداد نمونه‌های مورد پرسش در این پژوهش ۱۵۰ نمونه بوده که این حجم نمونه از طریق مدل گوکران انتخاب گردیده‌است و اطلاعات برداشت شده پس از ورود به نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل واقع شده‌است.

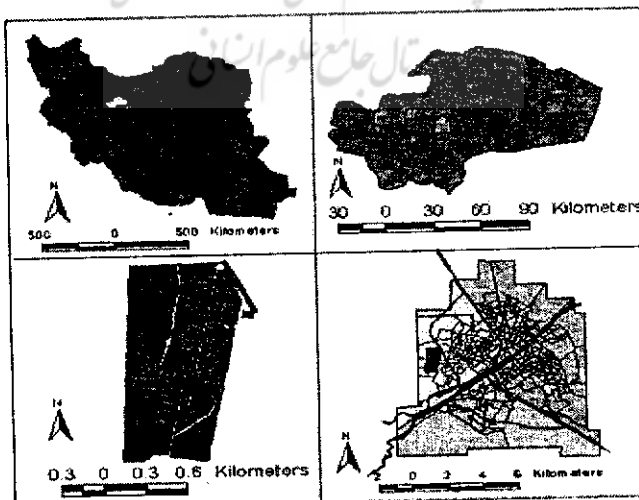
عرصه پژوهش

شهر قم از جمله شهرهای بزرگ کشور است که در سال ۱۳۷۵ با ۷۷۷۶۷۷ نفر یکی از ۱۰ شهر پرجمعیت کشور بوده و مانند بسیاری از دیگر شهرهای ایران با مسئله حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی روبرو است. شهر قم بدلیل نقش مذهبی - زیارتی، موقعیت سیاسی - جغرافیایی و قرارگیری بین سه قطب صنعتی کشور (تهران، اصفهان و اراک) همواره کانون جذب مهاجرین زیادی بوده است. به عنوان نمونه در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵) طی دهه‌ی ۷۵-۶۵ تعداد ۱۲۶۹۸۸ نفر به شهر قم وارد شده‌اند و به تبع آن قم رشد شهرنشینی بسیار بالایی داشته است، چنانکه جمعیت شهر قم طی ۴۰ سال (۱۳۷۵-۱۳۳۵) از ۹۶۴۹۹ نفر به ۷۷۷۶۷۷ نفر رسیده است، یعنی ۸ برابر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). از آنجاییکه تازه واردان به شهر قم اکثراً از اقشار کم درآمد هستند، نمی‌توانند در بازار رسمی مسکن وارد شوند و به بخش غیررسمی شهر و حاشیه‌نشینی وارد می‌گردند. بر این اساس طبق برآورد دفتر امور اجتماعی وزارت کشور در سال ۸۰-۱۳۷۹ شهر قم حدود ۹۰۰۰۰ نفر جمعیت حاشیه‌نشین داشته است (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۶۸).

از جمله نقاط قم که دارای شیوه‌زندگی حاشیه‌نشینی هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شهرک قائم، یزدانشهر، شیخ آباد، محمد آباد، قلعه کامکار و ... که اکثر قریب به اتفاق این نقاط، در منطقه‌ی دو شهر قم - مهاجرپذیرترین و پرتراکم ترین منطقه‌ی قم واقع شده‌اند. یکی از این نقاط که در منتهی الیه غرب قم و در منطقه‌ی دو شهر قرار دارد، محله‌ی شیخ آباد می باشد که قرار گیری کمربندی شهر و خط راه آهن در حاشیه‌ی شرقی و غربی این محله و عبور دکل های برق فشارقوی از درون محله، چهره‌ی خاصی به این محله بخشیده است. این محله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش فضایی افزونی پیدا کرده است. اکثر ساکنین محله را اقشار تهیدست جامعه که دارای بسیاری از مشکلات ذکر شده در این سکونتگاه‌ها می باشند، تشکیل می دهند.

محله شیخ آباد در منتهی الیه سمت غربی شهر قم قرار دارد که در تقسیمات کالبدی شهر قم جزو منطقه‌ی دو قم و در ناحیه‌ی سه آن محسوب می شود که، در سمت غربی آن محله، کمربندی شهر قم که منتهی به جاده‌ی اراک می شود و همچنین در قسمت شرقی آن محله‌ی امین آباد و معصومیه قرار گرفته است. شیخ آباد از جنوب به محله‌ی (روستای سابق) شادقلی و از شمال به محله‌ی (روستای سابق) قلعه کامکار منتهی می شود. ضمناً قسمتی از راه آهن قدیمی تهران - قم نیز از قسمت شمال شرقی محله عبور می کند. مساحت شیخ آباد حدود ۱۳۰ هکتار می باشد که به صورت خطی در دو طرف خیابان ۱۶ متری ولی عصر توسعه پیدا کرده است و با دارا بودن حدود یک درصد از وسعت شهر قم، بیش از دو درصد از جمعیت شهر قم را در خود جای داده است.



نقشه شماره (۱) موقعیت محله شیخ آباد

از مهم‌ترین عوارض طبیعی نزدیک به شیخ آباد، گسل شادقلی می باشد که با فاصله ی تقریبی ۱۰۰۰ متر از سمت جنوبی محله قرار دارد. این محله همانند شهر قم در پهنه‌ای هموار قرار دارد. لیکن نسبت به بخش مرکزی شهر قم حدود ۲۰ متر مرتفع تر است. ارتفاع شهر قم در قسمت‌های قدیمی و مرکزی شهر حدود ۹۶۰ متر می باشد ولی ارتفاع محدوده‌ی شیخ آباد از سطح دریا حدود ۹۸۰ متر می باشد.

جدول شماره (۱) تعداد جمعیت و خانوار در محله شیخ آباد

تعداد جمعیت	تعداد خانوار	سال
۱۴۹۹	۲۵۳	۱۳۶۵
۱۶۲۵۴	۲۸۱۶	۱۳۷۵
۲۲۲۷۳	۴۰۶۴	۱۳۸۴

مأخذ: مرکز آمار ایران و برداشت‌های میدانی نگارندگان، ۱۳۸۴.

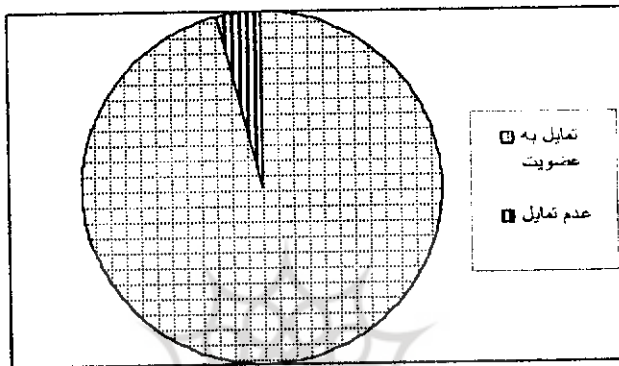
یافته‌های پژوهش

همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، با توجه به اهمیت و قابلیت‌های روش‌های اجتماعی و مهندسی اجتماعی و تأکیدی که در قالب این روش بر توانمندسازی صورت می‌گیرد، در این زمینه سعی شده است به امکان‌سنجی موفقیت این روش در محله شیخ‌آباد پرداخته شود. بر این اساس نتایج پیمایش‌های میدانی که می‌تواند امکان اجرای طرح‌های توانمندسازی در محله شیخ‌آباد را مشخص کند ارائه می‌گردد.

الف) تأکید اصلی و پایه‌ای مهندسی اجتماعی و راهبرد توانمندسازی بر مشارکت مردمی و حضور مردم در حل مسأله حاشیه‌نشینی است و مشارکت مردم را از طریق سازمان‌های غیر دولتی (NGO)^۱ و محلی (CBO)^۲ خواهان است.

در بررسی‌های انجام شده در شیخ‌آباد ۹۶ درصد از ساکنین شیخ‌آباد عضویت در

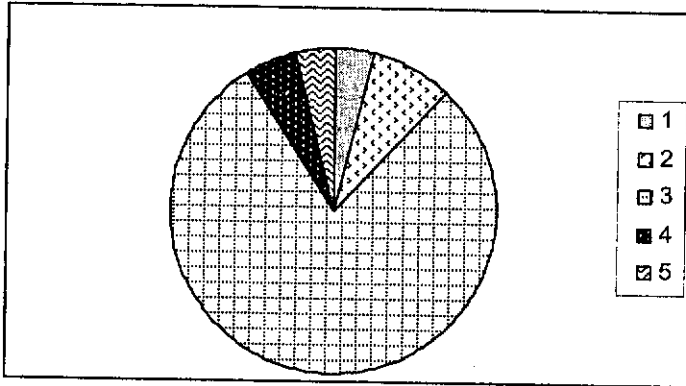
نهادهای محلی را برای حل مشکلات شیخ آباد می‌پذیرند و برای فعالیت در چنین سازمانی اعلام علاقمندی کرده‌اند. پس مشاکت مردمی که اصل اولیه در راهبرد توانمندسازی است در شیخ آباد وجود دارد.



نمودار شماره (۱) میزان تمایل و رضایت‌مندی مردم محله شیخ آباد برای عضویت در نهادهای محلی و غیردولتی

ب) برای حل مشکلات شیخ آباد به ازاء هر راهبرد و نگرشی که در مبحث ساماندهی مطرح است گزینه‌ای ارائه گردید تا نحوه‌ی نگاه مردم در حل مشکلات شیخ آباد و ساماندهی آن سنجیده شود و نتایج پاسخ‌های مردم به این صورت بوده است که:

- ۱- تخریب محله و واگذاری مسکن مناسب‌تر و با قیمت پایین‌تر به مردم، در یکی از نقاط شهر: ۴ درصد.
- ۲- مردم توانایی شرکت در حل مشکل را ندارند و دولت باید مشکلات را حل کنند: ۸ درصد.
- ۳- واگذاری امکانات و تسهیلات اشتغال و افزایش درآمد ساکنین و مشارکت خود ساکنین در بهبود وضع محله: ۷/۷۸ درصد.
- ۴- دادن امکانات و خدمات موجود در دیگر محلات: ۳/۵ درصد.
- ۵- هیچکدام و اظهار نشده: ۴ درصد.



نمودار شماره (۲) میزان موافقت مردم با راه حل های پیشنهادی برای ساماندهی شیخ آباد

لذا بر این اساس نیز متوجه نحوه مردم با راهبردهای مختلف نظیر تخریب (گزینه ی ۱) و امکانات و خدمات (گزینه ی ۴) و ... می شویم و باور مردم در این زمینه که خودشان می توانند در بهبود وضع محله مشارکت کنند را، می توان درک کرد. چون ۷۸/۷ درصد به گزینه ی ۳ که براساس راهبرد توانمندسازی است، معتقد هستند و این امر را که راهبرد توانمندسازی مناسب ترین راه حل مشکلات شیخ آباد است تأیید می شود.

ج) در مقابل این پرسش که مشکلات شیخ آباد توسط چه کسی حل خواهد شد؟ ۳۸ درصد ساکنین معتقد بودند که دولت می تواند مشکل را حل کند و ۱۴/۷ درصد معتقد به توان مردم در حل این معضل بوده و ۲/۷ درصد معتقد بودند که با گذشت زمان مسأله حل خواهد شد و

جدول شماره (۲) سنجش باور مردم در اتکاء به روش های ساماندهی مسأله حاشیه نشینی

درصد	چگونگی حل مشکلات محله
۳۸	توسط دولت
۴۲/۳	دولت و مردم
۱۴/۷	مردم
۲/۷	با گذشت زمان
۱/۳	حل شدنی نیست

۱/۳ درصد معتقد بودند که مشکلات شیخ‌آباد حل شدنی نیست و ۴۳/۳ درصد اعتقاد داشتند که با مشارکت دولت و مردم می‌توان مسأله را حل کرد. این بررسی نیز تا حدودی نشان دهنده‌ی مشارکت مردم در حل مشکلات و باور آنها در حل مشکلات می‌باشد.^۱

د) یکی از سیاست‌هایی که در راهبرد توانمندسازی برای حل مشکل پیشنهاد می‌شود واگذاری وام به حاشیه‌نشینان است تا ساکنین این جوامع که دارای توان مالی پایینی هستند، بتوانند با افزایش توان مالی خود به بهبود وضع زندگی خود پردازند. لذا ما در این زمینه به آزمون این نکته پرداختیم که آیا واقعاً با دریافت وام توسط ساکنین، به بهبود مسکن و وضع زندگی خود می‌پردازند و برنامه‌ای برای بهبود وضع زندگی و مسکن خود دارند؟ نحوه چگونگی استفاده توسط ساکنین محله را می‌توانید در جدول زیر مشاهده کنید.

جدول شماره (۳) چگونگی استفاده از وام توسط ساکنین محله شیخ‌آباد

درصد	نحوه‌ی صرف وام
۴۳/۳	بهسازی مسکن
۳۱/۳	اشتغالزایی
۲۱/۳	خرید خانه در محلی دیگر
۲/۷	خرج های جانبی
۱/۳	سایر

بر این اساس مشاهده می‌شود که بهسازی مسکن و سرمایه‌گذاری برای اشتغال به ترتیب با ۴۰ و ۳۰ درصد بیشترین فراوانی جهت صرف وام توسط ساکنین را داشته‌اند، که این دو گزینه دقیقاً از اهداف توانمندسازی می‌باشد، زیرا بهسازی مسکن که مستقیماً باعث بهتر شدن شاخص‌های مسکن می‌شود، و سرمایه‌گذاری برای اشتغال نیز باعث افزایش سطح درآمدی و شرایط اقتصادی ساکنین می‌شود و از آنجایی که مسکن بازتاب شرایط اقتصادی افراد است مطمئناً با بهبود وضع درآمدی ساکنین وضع سکونتگاه‌های حاشیه‌نشینان نیز بهبود می‌یابند.

۱- البته اعتقاد ۳۸ درصدی مردم به اینکه تنها دولت می‌تواند مسأله را حل کند تا حدودی تأمل برانگیز است، که این مسأله را می‌توان در قالب بزرگ بودن اهمیت بیش از حد دولت در کشور ایران تبیین کرد.

نتیجه گیری

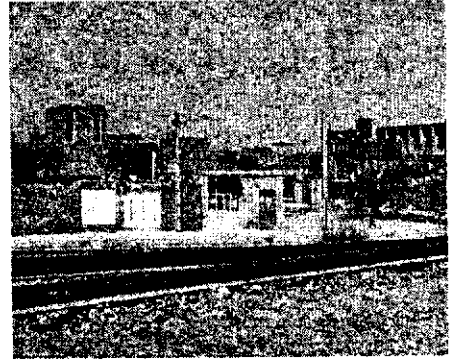
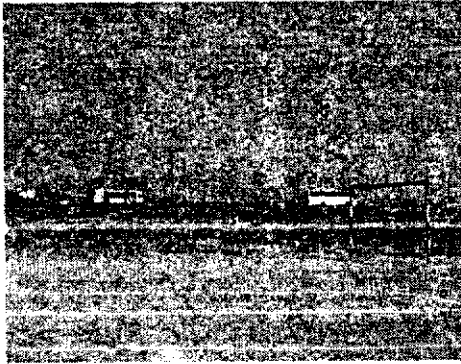
حاشیه نشینی یکی از مسائلی است که عدم توجه به آن در بلندمدت می تواند پیامدهای منفی زیادی برای مدیریت شهری ایجاد نماید. همچنین تبعات بکارگیری روش اشتباه، برای برخورد با این پدیده نیز کمتر از بی توجهی به آن نیست. در کشور ایران غالباً روش های فیزیکی در برخورد با حاشیه نشینی بکار رفته است، در حالی که امروزه در دنیا تبعات منفی بکارگیری روش های فیزیکی بر اغلب برنامه ریزان امور شهری آشکار گردیده و ضرورت بکارگیری مهندسی اجتماعی و روش های اجتماع محور کاملاً احساس می شود. بر این اساس ما نیز در شهرها و سکونتگاه های حاشیه ای نیازمند امکان سنجی و استفاده از این روش ها هستیم. بر این اساس امکان سنجی استفاده از توانمندسازی که به عنوان جدیدترین راه حل مسأله حاشیه نشینی در دنیای ما باشد به منظور حل برخی از مسایل محله شیخ آباد از مهم ترین حاشیه های شهری قم مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج یافته های پژوهش کاملاً حاکی از این موضوع می باشد که شرایط ساختاری محله شیخ آباد به عنوان یک نمونه از حاشیه های شهری ایران امکان استفاده از راهبرد توانمندسازی را فراهم نموده است و مشکلات محله شیخ آباد به علت برخی از دلایل که در زیر ارائه می گردد، می تواند از طریق توانمندسازی مورد ساماندهی قرار گیرد.

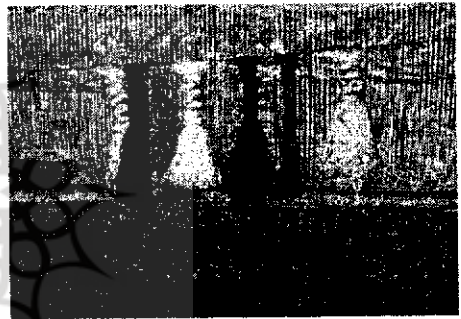
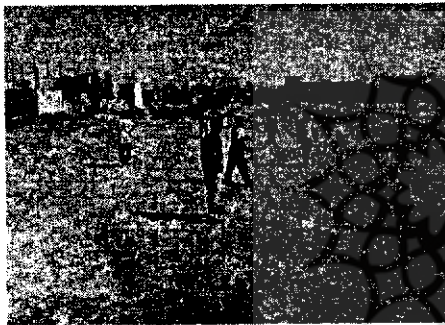
- ۱- همگرایی بالای قومی - زبانی که امکان فعالیت های اجتماعی و گروهی را فراهم می نماید.
- ۲- بالا بودن نسبت گروه سنی جوان که با استفاده از آموزش و برنامه های توانمندسازی، می توان ظرفیت های آنها را بارور کرد و در ارتقاء شرایط محیطی به کار گرفت.
- ۳- اندیشه ی بهسازی مسکن و تفکر پیشرفت که در نحوه چگونگی استفاده از وام توسط ساکنین استنتاج شد، کار برنامه ریزان شهری برای ساماندهی محله را آسان می نماید.
- ۴- هیئت های مذهبی و اجتماعات قومی - نژادی که می تواند زمینه های مساعدی برای شکل گیری NGO و CBO در محله باشد.
- ۵- حس تعلق به مکان و وابستگی به مکان که باعث می شود مردم در بهسازی محیط مسکونی خود کوشش نمایند.
- ۶- مردم محله شیخ آباد دارای قابلیت های زیادی در زمینه اشتغال و توانمندسازی هستند، نظیرسرافت قالی در منزل اکثر اهالی و کارگاه های تولید جارو و ... که در صورت سرمایه گذاری درست و برنامه ریزی مشارکتی بسیاری از مسایل ساکنین حل خواهد شد.

منابع

- ۱- افتخاری راد، زهرا (۱۳۸۲)؛ چهره‌نمایی بافت‌های اسکان غیررسمی و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن؛ مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۲- چیمبا، جی شایبر (۱۳۷۹)؛ مدیریت شهر، خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه؛ ترجمه‌ی پرویز زاهدی؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۳- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰)؛ حاشیه‌نشینی؛ شیراز: دانشگاه شیراز، چاپ سوم.
- ۴- زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۷۱)؛ جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۵- شیخی، محمد (۱۳۸۲)؛ سکونت‌گاه‌های خودرو، گذار از حاشیه‌نشینی به الگویی از سکونت‌گاه پیرامون کلان‌شهرهای ایران؛ مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد دوم؛ تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۶- صرافانی، مظفر (۱۳۸۲)؛ بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته؛ مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۷- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)؛ جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- ۸- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)؛ نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان قم.
- ۹- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)؛ اطلاعات جمعیتی سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ مربوط به بلوک‌های حوزه‌های سرشماری ۳۰ و ۳۶ شهرقم؛ تهران: واحد اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.
- ۱۰- نظریان، اصغر (۱۳۷۸)؛ جغرافیای شهری ایران؛ تهران: دانشگاه پیام‌نور، چاپ سوم.
- ۱۱- هادیزاده‌بزاز، مریم (۱۳۸۲)؛ حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان؛ مشهد: شهرداری مشهد با همکاری نشر تیهو.
- ۱۲- هاروی، دیوید (۱۳۷۶)؛ عدالت اجتماعی و شهر؛ ترجمه فرخ حسامیان و دیگران؛ تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- ۱۳- هیئت وزیران (۱۳۸۲)؛ سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی.
14. UN-HABITAT(2005) *Slums of the World: the Face of Urban Poverty in the New Millennium?* <http://www.unhabitat.org>
15. *World Bank(2004) World Development Report 2004.* <http://www.econ.worldbank.org>



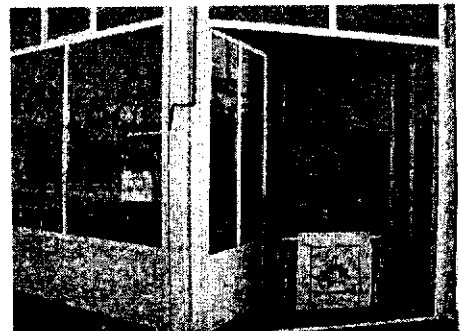
شیخ آباد به روایت تصویر



عبور ریل راه آهن قدیم قم- تهران و کمربندی شهر از حاشیه های شرقی و غربی محله

قالی بافی فعالیت رایج در بسیاری از خانه های شیخ آباد (فرصتی برای توانمندسازی)

کمزود فضاهای تفریحی و میانگین سنی پایین ساکنین محله



فعالیت های خود اشتغالی توسط ساکنین محله